

مطالعه تطبیقی رویکردهای طراحی معماری مبتنی بر بستر فرهنگ، در دوران مدرنیسم سارا سوهانگیر^۱، فاطمه امیریان^۲*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

چکیده

همگام با شکل‌گیری جنبش مدرن و تحولات متعاقب آن، شرایطی رخ داد که در آن شیوه‌های مختلف مواجهه با پیامدهای ناشی از تجارب دوران مدرن در قالب نگرش‌هایی در واکنش به بستر فرهنگ خود را نشان داد که در هر یک از آنها محوریت شاخصه‌هایی از فرهنگ جوامع انسانی قابل‌مشاهده است. در بناهای عصر حاضر که به‌طور مداوم دست‌خوش تحولات تکنولوژیک می‌شوند، توجه به تأمین آسایش انسان‌ها علی‌رغم پیشرفت‌های بسیار زیاد در حوزه‌های فناوری، با مشکلات فراوانی ایجاد شده است. همگام با رویکردهای نوین مطرح شده در حیطه طراحی معماری، رابطه معماری و بستر فرهنگی را می‌توان در چارچوب رویکردهای تاریخ‌گرایی، منطقه‌گرایی، زمینه‌گرایی، بوم‌گرایی و سنت‌گرایی دسته‌بندی نمود. این جستار در نظر دارد از میان رویکردهای مطرح‌شده، با توجه به نزدیک بودن مفاهیم به‌کاررفته در رویکردهای پیش‌گفته، با تحلیلی تطبیقی به بررسی عناصر غالب معماری استفاده‌شده در هر یک از آنها پرداخته و سپس نقاط اشتراک و افتراق آنها را مورد واکاوی قرار دهد. پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش عبارتند از اینکه با توجه به بررسی تطبیقی صورت‌گرفته، به‌منظور استفاده از هر یک از رویکردهای مطرح‌شده، توجه به چه مفاهیمی ضروری است؟ آیا ارتباطی از نوع اشتراک و افتراق میان رویکردهای پیش‌گفته وجود دارد؟ و در نهایت اینکه، اگر استفاده از این رویکردها در کشورهای مختلف پیامدهای متفاوتی دارد، چه معیارهایی انتخاب رویکرد مناسب را برای معماران تسهیل می‌کند؟ هدف از انجام این تحقیق، شفاف نمودن ابهامات موجود در زمینه معرفی هر یک از رویکردهای مطرح‌شده مبتنی بر بستر فرهنگ در دوران معاصر است. روش پژوهشی مورد استفاده در پژوهش حاضر کیفی بوده و ترکیبی از روش تحقیق توصیفی، موردی و تطبیقی می‌باشد. در نهایت ویژگی‌های هر یک از این رویکردها مشخص شده و نقاط اشتراک و افتراق آنها با یکدیگر شفاف خواهد شد. این پژوهش با تکیه بر بررسی کیفی و تطبیقی، قصد دارد این واقعیت را روشن کند که: علی‌رغم اینکه دوران پست‌مدرن به دلیل تحولات متعاقب آن با چندگانگی و تعدد مفاهیم در بحث‌های نظری مواجه بوده است لکن بحث رویکردهای طراحی معماری مبتنی بر بستر فرهنگ نیز مانند سایر بحث‌های معماری، قاعده‌مند بوده و می‌توان شاخصه‌هایی را در این زمینه، به‌منظور کاربردی نمودن هر چه بیشتر مباحث آنها برای معماران مطرح نمود.

کلمات کلیدی: تاریخ‌گرایی، منطقه‌گرایی، زمینه‌گرایی، بوم‌گرایی، سنت‌گرایی

۱. دکتری تخصصی معماری، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند، تهران، ایران. sara.sohangir@piau.ac.ir

۲. دکتری تخصصی معماری، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) fatemeh.amirian@piau.ac.ir

• مقدمه

با توجه به اینکه «فرهنگ» به‌عنوان سازمانی منسجم از فرآیندهای زیست انسانی که در اجتماع نهادینه شده است، محور اصلی تعاملات میان انسان‌ها قلمداد می‌گردد، شناخت هر چه بیشتر عوامل شکل‌دهنده و عناصر به‌کار رفته در این رویکردهای طراحی می‌تواند موجب افزایش کیفیت محیط زیست انسانی و ارتباط میان اقوام و ملل گوناگون در سایه تبادلات فرهنگی گردد. در این پژوهش با استفاده از بررسی تطبیقی و تحلیلی عناصر به‌کار گرفته شده در هر یک از رویکردهای برخاسته از بستر فرهنگ، مفاهیم موجود در آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند بدین‌منظور هفت بخش اصلی مورد بررسی قرار گرفته است: بخش اول: مروری بر رویکردهای طراحی مبتنی بر بستر فرهنگ در دوران مدرنیسم (پیشینه پژوهش)، بخش دوم: تاریخ‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی، بخش سوم: منطقه‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی، بخش چهارم: زمینه‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی، بخش پنجم: بوم‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی، بخش ششم: سنت‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی، بخش هفتم: مطالعه تطبیقی و تحلیلی رویکردهای طراحی مبتنی بر بستر فرهنگ در دوران مدرنیسم. در نهایت شاخصه‌هایی در این زمینه، به‌منظور کاربردی شدن هر چه بیشتر مباحث آنها برای معماران مطرح می‌گردد.

۱. چارچوب نظری تحقیق

همان‌طور که از مطالعات صاحب‌نظران در رویکردهای طراحی معماری مشهود است، بوم و فرهنگ یکی از عوامل تأثیرگذار در طراحی فضاهای معماری گذشته بوده است و با توجه به بحران‌های مطرح‌شده در دوران معاصر رویکردهایی در ارجاع به آنها مطرح شده‌اند. توجه به مباحث فرهنگی در معماری از حدود چهار دهه گذشته شروع شده است (Baydar, 2018, 19). این در حالی است که علی‌رغم اینکه در معماری مدرن توجه بیشتری به حالات جهانی و به‌دست آوردن مدلی از رفتارهای خالص مدنظر بود، توجه به علوم دیگر مانند علوم انسانی، فیزیک و ریاضیات در بسیاری از تئوری‌های طراحی اهمیت پیدا کرد. از آنجا که پس از دوران مدرن، نظر عمومی بر آن شد که به‌دست آوردن الگویی از طراحی به‌صورت جهانی ممکن نیست و می‌بایست به حالات فردی و گروهی توجه شود، علومی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اجتماعی در میان نظریه‌پردازان رفتارگرا محبوبیت بیشتری به‌دست آورد. (Erpil, 2016, 244). آنچه به‌عنوان چارچوب نظری این جستار موردنظر است، بررسی رویکردهای طراحی معماری‌ای است که در دوران مدرن مطرح بوده و همگی مبتنی بر بستر فرهنگ می‌باشند.

۲. روش تحقیق

روش پژوهشی مورد استفاده در جستار حاضر کیفی بوده و ترکیبی از روش تحقیق توصیفی، موردی و تطبیقی می‌باشد. در ابتدا جهت معرفی هر یک از رویکردها و زمینه شکل‌گیری آنها از روش توصیفی استفاده شده است. هدف محقق از انجام این نوع پژوهش، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. به‌عبارت دیگر پژوهشگر در این‌گونه تحقیقات سعی می‌کند تا آنچه هست را بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایجی عینی از موقعیت بگیرد. در این نوع روش، محقق فقط شرایط موجود و واقعی را گزارش می‌دهد و با استفاده از روش‌های گوناگون به توصیف آنها می‌پردازد (نادری، ۱۳۹۹، ۳۹). پس از آن جهت بررسی نمونه پروژه جهت مشاهده برخی شاخصه‌ها در هر یک از رویکردها از روش تحقیق موردی یا زمینه‌ای استفاده شده است. در این نوع پژوهش توجه محقق بیشتر به نکات و عوامل مهمی است که در شناخت گذشته و حال یا مطالعه میزان تغییرات یک مورد خاص موثر است. به‌عبارت دیگر در بررسی‌های موردی و زمینه‌ای، مطالعات و پژوهش‌های عمیق و وسیعی از یک واحد است که نتایج حاصل از آنها، آرایه‌دهنده تصویر کامل و سازمان‌یافته‌ای از آن واحد است (نادری، ۱۳۹۹، ۴۳). متعاقب آن جهت مقایسه نمونه‌های مطرح‌شده از روش تحقیق هم‌بستگی یا هم‌خوانی (تطبیقی) استفاده شده است. هنگامی که محقق، دو یا چند دسته از اطلاعات مختلف مربوط به یک گروه یا یک دسته اطلاعات از دو یا چند گروه را در اختیار دارد، می‌تواند از این روش تحقیق استفاده کند. چرا که این روش برای مطالعه میزان تغییرات در یک یا چند عامل در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر است (نادری، ۱۳۹۹، ۴۶).

روش جمع‌آوری اطلاعات در این نوشتار از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و نحوه انتخاب نمونه‌های موردی به صورت نظام‌وار و بر اساس مشاهده بیشترین عوامل تأثیرگذار به عنوان عوامل شکل‌دهنده به آن رویکرد در آن پروژه بوده است.

-بخش اول: مروری بر رویکردهای طراحی مبتنی بر بستر فرهنگ در دوران مدرنیسم (پیشینه پژوهش)

منطقه‌گرایی^۱ در سال ۱۸۷۸ در کشور ایتالیا مطرح شد و در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می‌کند. منطقه‌گرایی غالباً با فناوری‌های نوین منطقه‌ای همراه است (Boussora, 2012, 89). تاریخ‌گرایی^۲، برای نخستین بار در سال ۱۸۹۵ در کشور آلمان مطرح شد. تاریخ‌گرایی به معنای تردید ژرف در ارزش سنت‌های تاریخی غرب و امکان معرفت‌عینی تاریخی است. تاریخ‌گرایی بر این باور است که شهرهای امروز بدون حفظ گذشته‌های خود و بدون نشانه مرئی گذشته مشترک به طور حتم از یک منبع مهم معنوی محروم می‌شوند (همیلتون، ۱۳۹۶، ۱۹۱). سنت‌گرایی^۳ نیز در سال ۱۹۱۸ در کشور آلمان مطرح شد و تأکیدکننده تسلسل‌صوری بین گذشته و حال است. نقدی است قدرتمند و سازش‌ناپذیر بر جهان‌بینی متجدد غربی و حامل استلزامات مهمی برای مطالعه دین است (آلدمو، ۱۳۹۸، ۱۵۳). زمینه‌گرایی^۴، در سال ۱۹۶۰ در کشور آمریکا مطرح شد و به معنای پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است. زمینه‌گرایی در یک جمله یعنی ایجاد تداوم بصری در سیمای شهری، امکان توسعه یک ساختمان در آینده و تمایل به ایجاد ارتباط میان ساختمان و محیط پیرامون آن. (برولین، ۱۳۹۶، ۱۳). بوم‌گرایی^۵ در سال ۱۹۷۰ در کشور انگلستان مطرح شد و به معنای الگوی انسان‌های نخستین در تعامل با طبیعت است که مبتنی بر بهره‌گیری از طبیعت فقط به میزان آنچه نیاز انسان می‌باشد. (Rooger, 2012, 225-238).

-بخش دوم: تاریخ‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی

تاریخ‌گرایی (تاریخ‌نگاری یا تاریخ‌باوری) در پایان قرن نوزدهم ابداع شده و در سده بیستم تنها در ارتباط با بحران تاریخ‌گرایی مُصطلح شده است، که به معنای تردید ژرف در ارزش سنت‌های تاریخی غرب و امکان معرفت‌عینی تاریخی است. اما واقعیت آن است که این اصطلاح عمر طولانی‌تری دارد و در میانه سده نوزدهم در آلمان تثبیت شده بود. تا ۱۹۱۸ این اصطلاح، در بیشتر موارد معنایی منفی داشت. فریدریش شلگل^۶ در ۱۷۹۷ تاریخ‌گرایی را «گونه‌ای فلسفه» می‌داند که تأکید اصلی آن بر تاریخ است. در آغاز دهه ۱۸۳۰، لودویگ فوئرباخ^۷ این اصطلاح را در معنایی انتقادی و همراه با «تجربه‌گرایی» و «اثبات‌گرایی» بسیار به کار می‌گیرد تا بر نسبت تاریخی و پذیرش غیرانتقادی جهان به همان صورتی که خود را عرضه می‌دارد، اشاره کند. برانیس^۸ در ۱۸۴۸، در معنایی بی‌طرفانه، میان «طبیعت‌باوری» که می‌کوشد تمامی پدیدارها، از جمله پدیدارهای تاریخی را با معیار طبیعت درک کند، و «تاریخ‌گرایی» که می‌کوشد تمامی واقعیت، از جمله واقعیت طبیعی را به گونه‌ای تاریخی درک کند، به شدت تفاوت قائل می‌شود. او می‌گوید که تاریخ‌گرایی ایده «وجود» ثابت را در مقام گوهر واقعیت رد می‌کند و خود «وجود» را بر بنیاد عمل استوار می‌داند. امروز، در همه‌جا و به ویژه در آلمان، اساساً به معنایی فهمیده می‌شود که ترولچ^۹ و مای نکه^{۱۰} آن را به کار می‌بردند، یعنی جهان‌بینی که ویژگی تاریخی تمامی وجود انسان را می‌پذیرد، اما تاریخ را نه نظامی یکپارچه، بلکه صحنه‌ای می‌بیند که اراده‌های انسانی گوناگون خود را در آن آشکار می‌سازند. امروزه منظور از تاریخ‌گرایی، نه تنها فکر، بلکه جنبشی فکری و دانش‌ورانه است که بر پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و انسان‌گرایانه در آلمان سده نوزدهم حاکم بود و بر این باور بود که «کیفیت ویژه تاریخ از میان قوانین و اصول کلی تشکیل نمی‌شود»، بلکه از درک هر چه بیشتر «گوناگونی بی‌نهایت شکل‌های ویژه تاریخی که در گذر زمان نهفته‌اند» تشکیل می‌شود (همیلتون، ۱۳۹۶، ۱۹۱). از آن خود ساختن روشی ستیزه‌جویانه در پرداخت به گذشته است. روش دیگر توجه به خودآگاهی حال به مثابه یک لحظه مشخص تاریخی است که به دوران‌بندی^{۱۱} می‌انجامد، یعنی جداسازی آثار و رویدادها در قالب مقولات گاه‌شناختی و سبکی. باید یادآور شد که تاریخ‌گرایی دو تعریف دارد که در بحث معماری پسامدرن مطرح‌اند. کولکوهان^{۱۲} این دو نکته را مطرح می‌سازد: ۱- رویکردی که متوجه سنت‌های گذشته است و ۲- کُنش هنری کاربرد فرم‌های تاریخی. معماران تاریخ‌گرای پسامدرن عناصر کلاسیک یا دیگر سبک‌های گذشته را در اعمال هنرمندانه‌ای چون کولاژ، تقلید التقاطی و سبکی یا بازسازی اصیل و واقعی به کار می‌برند (Nesbitt, 2012, 87). تاریخ‌گرایی عاریه‌گیر تصادفی از گذشتگان و قدامت است. از سوی دیگر بستر شکل‌گیری مفهوم تاریخ‌گرایی در معماری با نقدهایی بود که با سبک التقاط‌گرایی یا اِکلکتیزم^{۱۳} وارد شد. این سبک به معنای گزینش اختیاری ردیفی از سبک‌های قدیمی قرن نوزدهمی بود که به اعتقاد منتقدین، رونوشت سبک‌های

گذشته را نمی‌توان معماری تلقی کرد. لویی سالیوان^{۱۴} نمایشگاه جهانی شیکاگو را در سال ۱۸۹۳ آزادی فراوان الفاظ یا تبسم پیروزمندانه سلیقه می‌داند و نه معماری. راجر اسکروتن^{۱۵} دو نوع تاریخ‌گرایی را در معماری مطرح می‌کند: ۱- تاریخ‌گرایی پوسنر^{۱۶}، او در کتاب رئوس معماری اروپا، لفظ مذکور را برای توصیف تقلید یا تکثیر سبک‌های تاریخی مخصوصی به کار می‌برد. (سبک‌هایی که دلالت بر نمونه‌های تاریخی قابل شناسایی دارند) ۲- تاریخ‌گرایی پاپر^{۱۷}، او در کتاب فقر تاریخ‌گرایی، یک دیدگاه تاریخی را با عنوان معماری در تجسم روح زمان خود توصیف می‌کند. (سبک دسته‌ای از ساختمان‌ها است که فناوری و روح زمان را منعکس می‌کنند). آنچه که از میان دو نوع تاریخ‌گرایی مطرح شده طرفدار بیشتری در میان منتقدان و معماران پیدا کرده است نوع دوم است یعنی طراحی با توجه به روح زمان. گیدین^{۱۸} می‌گوید معماری شاخص زمان است، معماری منعکس‌کننده شرایط عصری است که از آن برمی‌خیزد و آن شرایط اجتماعی، اقتصادی، علمی، فناوری و اخلاق‌شناسی است. طبق گفته‌های راسکین معماری بایستی تجسمی از ملت، دولت، زندگی، تاریخ و ایمان مذهبی یک ملت باشد (Capon, 2019: 45). نمونه موردی انتخاب شده برای رویکرد طراحی تاریخ‌گرایی موزه کستل و کیو^{۱۹} در شهر ورونا در ایتالیا می‌باشد که دربردارنده هر دو نوع تاریخ‌گرایی بوده و دارای ۶ لایه تاریخی است: ۱. ساخت قلعه قرون وسطایی و دیوار اطراف آن (قرن چهاردهم، ۱۳۵۴). ۲. اشغال قلعه توسط سربازان ناپلئون و ایجاد تغییرات (قرن هفدهم، ۱۷۹۷). ۳. بازسازی مرحله نخست موزه (نیمه اول قرن نوزدهم، ۱۹۲۳ - ۱۹۲۶). ۴. بازسازی مرحله دوم موزه/کارلو اسکارپا^{۲۰} (نیمه دوم قرن نوزدهم، ۱۹۵۷ - ۱۹۶۴). ۵. بازسازی مرحله سوم موزه/کارلو اسکارپا (اواخر نیمه دوم قرن نوزدهم، ۱۹۶۷ - ۱۹۷۳). ۶. طراحی منظر حیاط موزه/ پیتر آیزنمن^{۲۱} (قرن بیستم). نتایج بررسی‌های به‌دست آمده از این نمونه موردی به‌صورت تحلیلی در جدول ۱-۱ مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طورکلی می‌توان برخی مولفه‌های مورد استفاده در رویکرد طراحی "تاریخ‌گرایی" را بدین ترتیب بیان کرد: توجه به تمامی لایه‌ها و مستندات تاریخی موجود به جا مانده از بنا، برقراری ارتباط با بنای پیشین از طریق ایجاد تضاد (پیتر آیزنمن) و یا ایجاد پیوند و هماهنگی (کارلو اسکارپا)، توجه به لایه‌های مصالح به‌کار رفته در بنا جهت حفظ آنها و یا تعیین مکان مداخله با مصالح جدید، توجه به لایه‌های تاریخی شهر (اعم از بناهای تاریخی شاخص، فضاها و محوره‌های شهری)، توجه به جزئیات طراحی فضاهای داخلی و حفظ آنها تا حد امکان، شناسایی سبک‌های استفاده شده در تزئینات فضای داخلی و نمای خارجی بنا، استفاده از عناصر تاریخی سایر ساختمان‌های قدیمی در حال تخریب، در بنای موجود. توجه به مصالح استفاده شده در بناهای تاریخی هم‌جوار، بررسی دقیق تمامی تصاویر، نقشه‌ها و عکس‌های به جا مانده از بنا و ارزش قائل شدن برای عناصر به جا مانده و تلاش در جهت حفظ هر چه بیشتر آن‌ها.

جدول ۱-۱: بررسی تحلیلی عناصر مورد استفاده در رویکرد طراحی تاریخ‌گرایی در نمونه موردی موزه کاستل و کیو در ایتالیا
 مأخذ مطالب و تصاویر جدول: (Meral Halifeoglu, 2013), (Bandyopadhyay, 2010), (Loew, 2000)

تصویر عنصر تاریخی	بررسی عناصر تاریخی مورد استفاده	تصویر عنصر تاریخی	بررسی عناصر تاریخی مورد استفاده
	نگاه داشتن محل اتصال مصالح جدید و قدیمی (به‌منظور امکان تشخیص میزان مداخله در آینده)		دیوار قلعه قرون وسطایی در قرن سیزدهم (برای جدایی بخش مسکونی از بخش نظامی شهر)
	ایجاد دیالوگ میان مجسمه‌های نمایش داده‌شده (با الهام از داستان‌های مشهور در تاریخ سنت شفاهی ایتالیا)		ایجاد تغییرات در ساختار اتاقها و نما توسط سربازان ناپلئون (ساخت انبارهای موقتی در شمال و شرق بنا و الحاق پلکان عظیم روی نمای شمالی و تخریب ۶ برجک قرون وسطایی)
	طراحی پلکان‌های شاخص در فضای داخلی (جزئیات پلکان‌ها با الهام از سبک ده‌اسیمل)		طراحی یک موزه هنر در داخل ساختمان قدیمی (توسط آنتونیو آونا و فردیناندو فوریتاتی)





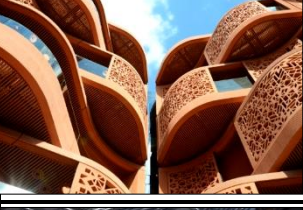

	تغییر فضای بصری داخل موزه (ایجاد دریچه‌هایی در دیوارها به منظور مشاهده همزمان برخی از آثار نمایش داده شده)		ساخت مجدد برج‌ها، مرمت اولیه انبارهای الحاقی، اضافه نمودن شومینه‌های تزئینی و تزئینات کلاسیک به سقف اتاق‌ها
	طراحی جزئیات جداگانه برای هر یک از آثار (پایه مجسمه‌ها، پایه تابلوهای نقاشی، وینترین‌های نمایش و غیره)		ساخت بازشوها با سبک درب و پنجره‌های گوتیک و پر کردن مکان پنجره‌های ناهماهنگ با محور سایر بازشوها (با اقتباس از ساختمان‌های محلی تاریخی)
	طراحی مجدد جزئیات تمامی اتصالات (محل اتصال پله به دیواره و محل اتصال فواره به پایه آن با ایجاد فاصله به منظور شناور به نظر رسیدن آن‌ها)		نصب یک فواره قرون وسطایی در جنب نمای سردر اصلی به جای پلکان به جا مانده از دوران ناپلئون (انتقال یافته از یکی از بناهای تاریخی تخریب شده همجوار)
	استفاده از مجموعه شبکه‌های برآمده از قرائت خطوط بناهای تاریخی شهر ورونا (جهت ایجاد پیوند با لایه‌های تاریخی شهر)		پاک‌سازی دیوار قلعه، عنصر به‌جامانده از قرون وسطی (تخریب دیوار انبارهای الحاق شده به دیوار قلعه)
	استفاده از امتداد خطوط سفید بتنی در کف اتاق‌های گالری (کارلو اسکاریا) (در طراحی منظر حیاط به منظور ایجاد دیالوگ با اسکاریا)		شناسایی لایه‌های تاریخی مصالح (کاشی رومی، مس و فولاد زنگ‌زده) (طراحی دیواره یکی از ورودی‌های جدید با الهام از آنها)
	استفاده از فرم پروژه شهر فرهنگ گالیسیا آیزنمن (در طراحی فرم اختلاف ترازهای حیاط مرکزی موزه، به منظور ایجاد دیالوگ با اسکاریا)		طراحی پل‌های خصوصی در طبقه دوم (به منظور امکان ایجاد نمایش آثار در بیرون از محوطه)
	استفاده از شبکه دکارتی پروژه میدان شهر مانارجیو آیزنمن (به صورت تیرهای آهنی قرمز رنگ، به منظور ایجاد دیالوگ با اسکاریا)		تعبیه کنسول‌های بیرون‌زده از نما (تحت عنوان مکان مقدس، موجود در اماکن مذهبی تاریخی ایتالیایی)
	وارد نمودن امتداد خطوط قرمز رنگ سایت در فضای حیاط و تا فواره قرون وسطایی (نادیده انگاشتن تأثیر دیوار، ایجاد دیالوگ با اسکاریا)		طراحی یک ورودی جدید در امتداد محور فواره کوچک (به جا مانده از قرن هفدهم)
	وارد نمودن امتداد خطوط قرمز رنگ سایت در فضای داخلی گالری‌ها (نادیده انگاشتن تأثیر دیوار، ایجاد دیالوگ با اسکاریا)		طراحی تمام جزئیات فضای داخلی با سبک ده‌استیل (محل اتصالات، پلکان‌ها، پایه مجسمه‌ها و غیره)

بخش سوم: منطقه‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی

با وجود آنکه اصطلاح ناحیه‌گرایی در اوایل سال ۱۹۲۵ توسط لوئیس مامفورد^{۲۲} به کار گرفته شد، ولی عقاید مختلف پیرامون این واژه و معنی آن موضوع جدیدی نیست. برای مثال واگنر^{۲۳} نزدیک به پایان قرن نوزدهم نوشت: ما می‌توانیم با توجه به شباهت حالات بیان و سبک‌های زندگی در کشورهای متمدن که تحت تأثیر شرایط جغرافیایی و اقلیمی‌اند، فناوری کنونی را اضافه نماییم. جانسون^{۲۴} لفظ منطقه‌گرایی (ناحیه‌گرایی) را در معماری اشاعه داد. لوکوربوزیه^{۲۵} این لفظ را در کتاب خود تحت عنوان شهری‌گرایی در سال ۱۹۲۶ به کار برد. گروپوس^{۲۶} گفت که بیان بومی منطقه‌ای از محیط، اقلیم، منظره و عادت مردم زاینده شده است. در کارهای آلوار آلتو^{۲۷} استفاده از خصوصیات منطقه‌ای و مصالح محلی به‌وفور مشاهده می‌شود. منطقه‌گرایی در معماری در نیمه دوم قرن بیستم با این باور شکل گرفت که چگونه شکل ساختمان بایستی با شرایط اقلیمی و استفاده از مواد و مصالح محلی ربط پیدا کند. خصوصیت مهم هر ساختمان، که در هر تصویری که از آن ترسیم می‌شود بافت بصری آن است، یعنی پیش‌زمینه و پس‌زمینه و نماهای جانبی آن (Capon, 2019, 28). منطقه‌گرایی از سال ۱۹۵۰ در رشته‌های دیگر تحت‌عناوینی مانند منطقه‌گرایی اقتصادی، منطقه‌گرایی احیاگر و منطقه‌گرایی سازنده مطرح شد و سپس به‌تدریج وارد حوزه شهرسازی و معماری شد (Conizaro, 2007, 46). منطقه‌گرایی یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می‌کند (Boussora, 2012, 89). منطقه‌گرایی مقیاسی کلان و برون‌شهری دارد و از منطقه‌ای جغرافیایی حکایت دارد که شهر و حومه و حتی شهرها و روستاهای هم‌جوار جزو آن هستند. علاوه بر آن منطقه‌گرایی هم‌زمان واجد وجهی منطقه‌ای و جهانی نیز می‌باشد (Colquhoun, 2020, 23). زمینه‌های تعریف‌کننده معماری منطقه‌گرا عبارتند از: استفاده از فناوری نوین که در این زمینه از دو روش استفاده می‌گردد، نخست برداشت از الگوهای ساخت و ساز کهن و توجه به فناوری‌های بومی ساختمان‌سازی و دیگری اشاعه تکنولوژی مدرن در قالبی سنتی، که مورد اخیر بیشتر در جست و جوی پیوند میان تکنولوژی مدرن با شکل و فرم بناهای قدیمی است. در برخی از پروژه‌ها استفاده از تکنولوژی به‌گونه‌ای استعاره‌گرا در نمای ساختمان‌ها قابل مشاهده است. مورد دیگر بیان استعاره‌ای فرم است که خود به دو صورت به کار گرفته می‌شود. نخست بیان استعاره‌ای شکل‌ها و مفاهیم بومی که می‌تواند در قالب اشاره به موضوعاتی عینی (طاق، مصالح آجری یا جزئیات سنتی)، اشاره به مفاهیمی خاص (مفاهیم قدرت، فقر و فناوری) و یا اشاره سمبلیک به برخی از فرم‌های خاص (منار، گنبد و گودال‌باغچه) باشد. دیگری جانمایی عملکردهای سمبلیک در بناهای جدید می‌باشد. مورد بعدی، هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی از طریق، دستیابی به سایه با مشربیه، بهره‌گیری از رنگ‌های روشن، استفاده از فضاهایی مانند دالان، حیاط و باغچه، استفاده از پوشش گیاهی منطقه‌ای، استفاده از مصالح بوم‌آورد، استفاده از بازشوهای محدود، استفاده از عناصر تهویه طبیعی نظیر بادگیرها و غیره می‌باشد. مورد دیگر توجه به ویژگی‌های سایت به سه روش می‌باشد: معماری در هماهنگی با سایت، در تقابل با سایت و معماری یادمان‌گرا. مورد بعدی، به‌کارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی و در نهایت الهام از مفاهیم خاص منطقه‌ای در قالب توجه به روح مکان، درک حس مکان، درک حکمت (درک تقدس مفاهیم و اشیاء) و درک الگوهای رفتاری می‌باشد (شایان، ۱۳۹۶، ۴۹-۶۰). قابل ذکر است منطقه‌گرایی انتقادی و نوین، بر هماهنگی بنا و ویژگی‌های زمین‌ساختی و عدم تظاهر به غلبه بر سایت به‌عنوان ویژگی‌های اصلی معماری منطقه‌گرا تأکید دارند (Powell, 2012, 126). منطقه‌گرایی انتقادی فرامپتون^{۲۸} که تا حدودی در پدیدارشناسی ریشه دارد، امکان‌باشیدن در معماری‌ای را که واجد معنای تجربی وسیع است پی می‌گیرد. او طرفدار شناخت منطقه ساختمان بومی و توجه به حساسیت آن به نور، باد و شرایط دمایی است که جملگی پاسخ معمارانه‌ای را می‌طلبند که شایسته و درخور مکان خاص است. منطقه‌گرایی انتقادی این تصور را مطرح می‌سازد که طراحی‌های ویژه اقلیمی از لحاظ زیباشناختی و محیط زیست مفیدند و در مقابل نیروهای همگن‌ساز سرمایه‌داری مدرن مقاومت می‌کنند. فرامپتون به پیروی از هابیدگر^{۲۹}، در مقابل نیروهای جهانی‌سازی با مشخص کردن حریمی محدود روی زمین و در زیر آسمان مقاومت می‌کند. اغلب نمونه‌ها و الگوهای مورد اشاره او مبتنی است بر رویکردی معمار ساخت که بر توپوگرافی سایت تأکید دارد. (Nesbitt, 2012, 32). نمونه موردی انتخاب‌شده برای این رویکرد دانشگاه علوم و

مطالعه تطبیقی رویکردهای طراحی معماری مبتنی بر بستر فرهنگ، در دوران مدرنیسم

جدول ۱-۲: بررسی تحلیلی عناصر مورد استفاده در رویکرد طراحی منطقه‌گرایی در نمونه موردی موزه دانشکده علوم و تکنولوژی شهر مصدر در ابوظبی مآخذ مطالب و تصاویر جدول: (Mumtaz, 2016), (Frampton, 2019), (Asefi, 2012), (Ali, 2019), (Forman, 2018), (Curtis, 2014)

توضیح عناصر منطقه‌ای مورد استفاده	توضیح عناصر منطقه‌ای مورد استفاده	تصویر عنصر مورد بررسی	توضیح عناصر منطقه‌ای مورد استفاده
<p>ایجاد رواق‌های سرپوشیده توسط فرم دیواره‌ها (از طریق جهت‌گیری مناسب ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر)</p>	<p>طراحی فرم دیواره بالکن‌ها به صورتی که بر روی خود ساختمان و معابر پیاده سایه‌اندازی کنند (به دلیل حرارت و رطوبت بالای منطقه)</p>		<p>تصویر عنصر مورد بررسی</p>
<p>طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر با هدف کنترل نور (به منظور امکان تغییر میزان نور مورد نیاز)</p>	<p>بازتعریف مشربیه با الگو برداری از موتیف‌های اسلامی (الگوهای برگرفته از ستاره ۸ پر)</p>		<p>تصویر عنصر مورد بررسی</p>
<p>استفاده از الگوی بادگیر در فصل مشترک ساختمان‌ها (به منظور امکان ایجاد تهویه طبیعی)</p>	<p>برجک بادی مرکزی در فصل مشترک ساختمان‌ها (به منظور امکان ایجاد تهویه طبیعی)</p>		<p>تصویر عنصر مورد بررسی</p>
<p>استفاده از رنگ بتن سرخ، به عنوان مصالح غالب در هماهنگی با بافت اطراف (به منظور ادغام با زمینه بیابان و به حداقل رساندن نگهداری از نمای ساختمان)</p>	<p>نورپردازی در شب با استفاده از برق تولید شده توسط انرژی خورشیدی (در هماهنگی با ویژگی‌های یک بنای پایدار)</p>		<p>تصویر عنصر مورد بررسی</p>
<p>عقب‌نشینی پنجره‌ها نسبت به بدنه نما و استفاده از شیشه‌های ای.تی.اف.ای (با قابلیت عدم ایجاد گرمای تابشی و عدم انعکاس نور خورشید)</p>	<p>استفاده از مصالح بوم‌آورد (بتن با ماسه محلی) + مصالح قابل بازیافت (الومینیوم) (به منظور عدم تولید زباله‌های غیرقابل بازیافت)</p>		<p>تصویر عنصر مورد بررسی</p>
<p>استفاده از موتیف‌ها و الگوهای هندسی اسلامی (با ایجاد ساختار شکنی در نظم آنها)</p>	<p>تغییر ابعاد گشودگی بازشوها در طبقات (در طبقات بالایی تنها ۲۵ درصد شیشه استفاده شده، در حالی که در طبقات پایینی تا ۴۵ درصد شیشه استفاده شده است)</p>		<p>تصویر عنصر مورد بررسی</p>
<p>استفاده از موتیف‌ها و الگوهای هندسی اسلامی (برای نمونه در قصر سلطنتی ترون در مراکش)</p>	<p>ایجاد حیاط‌های مسقف پوشیده شده با پانل‌های خورشیدی (با الهام از حیاط‌های مسقف بازارها و تیمچه‌ها)</p>		<p>تصویر عنصر مورد بررسی</p>

تکنولوژی شهر مصدر می‌باشد که در آن می‌توان بسیاری از شاخصه‌های ذکر شده در رویکرد طراحی منطقه‌گرایی را مشاهده نمود که به صورت تحلیلی در جدول ۱-۲ مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی می‌توان برخی مولفه‌های مورد استفاده در رویکرد طراحی "منطقه‌گرایی" را بدین ترتیب بیان کرد: استفاده از فناوری نوین با برداشت از الگوهای ساخت و ساز کهن و یا اشاعه تکنولوژی مدرن در قالب سنتی، بیان استعاره‌ای فرم، بیان استعاره‌ای شکل‌ها و مفاهیم بومی و جانمایی عملکردهای سمبلیک در بناهای جدید، هماهنگی با شرایط اقلیمی منطقه، مانند دستیابی به سایه با مشربیه، استفاده از فضاهای میانی مانند دالان و غیره، توجه به ویژگی‌های سایت، اعم از توپوگرافی سایت، مصالح سایت و ویژگی‌های بافت هم جوار سایت، توجه به اصول معماری منطقه، استفاده از برخی عناصر خاص معماری منطقه مانند حیاط مرکزی، به‌کارگیری جزئیات و تزئینات بومی منطقه (به‌همان صورت و یا با ایجاد تغییرات و انتزاع از آنها) و الهام از مفاهیم خاص منطقه‌ای موجود در الگوهای معماری پیشین منطقه.

بخش چهارم: زمینه‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی

در دهه ۱۹۶۰، بازسازی شهری و مداخلات حاد مدرن، بافت شهری را شکافته و غیر قابل شناخت کرده بود. معماران متوجه شدند که هیچ بستر و زمینه‌ای برای درک و فهم ساختمان‌های طراحی‌شده به سبک مدرن وجود ندارد. به‌واقع ساختمان‌های آنها در یک فضای باز نامحدود و نامتمایز مدرن پراکنده بود. به‌عبارتی به ادعای رو^{۳۰} و کوتر^{۳۱}: شهر معماری مدرن هنوز ساخته نشده است و به‌رغم همه خواست‌ها و نیات خوب پیشکسوتان آن، هنوز به‌صورت پروژه‌های ناتمام باقی مانده است. از دست رفتن طبیعت، فقدان جهت و سردرگمی و این احتمال که حومه‌ها و شهرها در نهایت آنقدر گسترش خواهند یافت که با همدیگر تالاقی خواهند کرد در تصویری که ایتالو کالوینو^{۳۲} از شهرهای پیوسته ارائه می‌دهد پیش‌بینی شده بود. نقد شهر مدرن در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و مشتمل بود بر طرح‌های اتوپیایی، بازسازی‌های بزرگ‌مقیاس، نظریه‌های مربوط به منظر و قوانین طراحی شهری و دفاع از موضوعات شهری تحقیق‌نیافته مدرن. از میان این اهداف متعدد، سه دیدگاه شاخص در آمریکا مطرح شدند: زمینه‌گرایی، توده‌گرایی و الگوی شهر معاصر جهانی. زمینه‌گرایی را رو، کوتر و شوماخر^{۳۳} مطرح کردند. زمینه‌گرایی را می‌توان شرح و بسط‌هایی از درون محیط‌های دانشگاهی به شمار آورد که گروه‌هایی از استادان و دانشجویان که به تجزیه و تحلیل شهر پرداختند و اهدافی را برای راهبردهای نوین طراحی مطرح می‌سازند، پرورش داده‌اند. دانشجویانی مانند شوماخر شاگرد رو و کارهای دانشجویان رم کولهوس^{۳۴} (Nesbitt, 2012, 29). پیتر اسمیتسون^{۳۵} اندیشه زمینه‌گراییانه در معماری را در اواسط دهه ۱۹۵۰ به این شرح توضیح داده است: کار جدید بایستی در بافت الگوهای موجود، بافت تداعی‌های انسانی، الگوهای استفاده، الگوهای جنبش و سکون، الگوهای آرامش، سروصدا و غیره جستجو شود. در سال ۱۹۶۰ نوربرگ شولتس^{۳۶} موضوع افزودن متن را به‌عنوان مقوله پنجم به عناصر اصلی در معماری مورد بررسی قرار داد. یک سال بعد الکساندر^{۳۷} تعریف جامعی را ارائه داد مبنی بر اینکه، هر چیزی که در جهان است در پی فرم یافتن است و آن چیز همان متن می‌باشد. فردیناند دوسوسور^{۳۸} قبلاً به تأسیس معنی زمینه در زبان‌شناسی کمک کرده بود. اولین اثر درباره زمینه‌گرایی، کتاب معماری در زمینه برولین^{۳۹} بود که در سال ۱۹۸۰ منتشر گردید. او به این موضوع اشاره می‌کند که در بسیاری از موارد معماری بعد از مدرنیسم به‌هیچ وجه زمینه‌گرا نبوده است. بنا به گفته برولین، زمینه‌گرایی در ادبیات معماری برای اولین بار در مقاله رابرت اشترن^{۴۰} موسوم به پست‌اسکریپت^{۴۱} در سال ۱۹۷۷ مورد بررسی قرار گرفت. او معتقد است راه‌های مختلفی برای طراحی یک ساختمان جدید وجود دارد، به‌طوری‌که با بافت هم‌جواری هم‌خوانی داشته باشد؛ دقیقاً الگوهای هم‌جوار را تقلید کند، استفاده از اساس فرم‌های مشابه ولی با پیدمانی جدید، اشکال جدیدی را برای ایجاد پویایی ایجاد کند و در نهایت از فرم‌های اطراف انتزاع نماید. (جدول ۱-۳) ایده‌های اولیه زمینه‌گرایی با جامعه و ارتباطات رابطه داشته است. ارتباط ایجادشده در رویکرد زمینه‌گرایی می‌تواند میان مردم، میان مردم و ساختمان‌ها و در نهایت میان ساختمان‌ها وجود داشته باشد. به‌طور کلی سه نوع زمینه وجود دارد: زمینه صوری (شکلی)، زمینه بصری (احساسی) و زمینه انسانی (سنت‌های فرهنگی). مفهوم وسیع‌تر زمینه‌گرایی، منطقه‌گرایی است و مفهوم محدودتر زمینه‌گرایی منظرشهری است. زمینه صوری (شکلی) خود شامل چهار زیرمجموعه است: چشم‌انداز، منظر محلی، منظر شهری و منظر فضایی. (جدول ۱-۴) چشم‌انداز: به این معنا که یک ساختمان چگونه با طبیعت و زمینه طبیعی ربط پیدا می‌کند. چشم‌انداز شامل در نظر گرفتن فهرستی از موارد شامل انتخاب صحیح جانمایی ساختمان، اثر نور خورشید، سایه‌اندازی جرم‌ها توجه به زوایای دید و بهره‌برداری از زمین و زمینه بنا

را شامل می‌شود. در واقع چشم‌انداز به معنای ربط دادن ساختمان با بافت آن بوده است. منظر محلی: کامیلو سیتته^{۴۳} از این موضوع شکایت داشت که شبکه‌ای از خیابان‌ها اغلب منظور ارتباطات را تأمین می‌کنند و نه هنر را. او منظر شهری را در دو قالب معرفی می‌کند: از نظر جنبه‌های عملکردی و جنبه‌های بصری. جنبه‌های عملکردی: امروزه مکان‌هایی که در آنها توقف می‌کنیم مکان‌هایی هستند که به نوعی در آنها فعالیت می‌کنیم. در حالی که در گذشته فعالیت‌های شهری در شهرهای اروپایی انجام می‌شدند مانند جلسات هوای باز، بازارها و برگزاری جشن‌ها. جنبه‌های بصری: در این رابطه می‌توان به خیابان‌های دالان مانند یعنی بازارهای سرپوشیده اشاره داشت که در دوران مدرن از بین رفت. جنبه‌های بصری در منظر شهری عبارتند از فن کمپوزیسیون در ترکیب توده و فضا، نما و منظر و احساس ناشی از فرم که در رابطه با چگونگی تعریف این عناصر است: توجه به تقارن و نظم، افقی‌گرایی و عمودی‌گرایی، تمرکز و پراکندگی، شکل و رنگ و سادگی و پیچیدگی. منظر شهری: منظر شهری اصطلاحی است که توسط گوردون کالن^{۴۳} در دهه ۱۹۵۰ مصطلح شد. این عنوان مجموعه‌ای از شاخص‌ها درباره طراحی شهری بود که به انتشار کتابی موسوم به منظر شهری در سال ۱۹۶۱ انجامید. کوین لینچ^{۴۴} و ادmond بیکن^{۴۵} نیز در این زمینه کار کرده‌اند. در تعریف منظر شهری این عوامل تأثیرگذارند: فرم (ساختمان‌ها، خیابان‌ها، مبلمان شهری، مجسمه، هندسه، جزئیات و غیره) عملکرد (فضاهای کاربردی، چراغ‌های خیابان، پیاده‌رو، جاده‌ها و غیره) معنا (تناسبات، استعاره‌ها، اشیاء معنی‌دار، عبارات و تبلیغات) ماده (مواد و مصالح، دیوار و کف و سقف و غیره) بافت یا زمینه (روح‌گرایی، رفتارگرایی، شخصیت‌گرایی و غیره)، روح مکان (رمز و راز، آشفتگی، آرامش و غیره). ولی آنچه که از همه بااهمیت است در درک منظر شهری، عبارت است از مقوله حرکت و آنچه که کولن آن را "رویت سریالی" می‌نامد. منظر فضایی (اطلاق): کریستوفر الکساندر در کتاب خود با عنوان زبان الگو در این زمینه اشاراتی دارد: ...در اینجا زبان ویژه خانه‌ای را گوش می‌کنیم: خانواده، باغ نیمه مخفی، درختستان، شعاع‌های نور، درب ورودی اصلی، میزان خصوصی بودن، نقاط مشترک در قلب، حیاط‌های محل زندگی، نور خورشید تابیده به درون اتاق (فضا)، آشپزخانه منظره‌دار و غیره. الکساندر بی‌نظمی و غیرمقارن را ترجیح می‌دهد. او حتی می‌گوید ارتفاع سقف می‌بایست متغیر باشد. افقی بودن را ترجیح می‌دهد زیرا انسانی‌تر و هزینه‌های آن مناسب‌تر است و در نهایت می‌گوید مجموعه‌ای از ساختمان‌های بدون مرکز مانند انسان بدون سر هستند. او به ارتباط میان فضای شهری با ساختمان‌ها نیز تأکید می‌کند. در مورد ارتباط خود ساختمان با بیرون‌الگوهایی را ارائه می‌دهد: مانند دیده شدن آسمان از درون بنا، استفاده از بالکن‌های مناسب، الگوی لبه ساختمان، الگوی اتصال به زمین و سقف‌های آبخاری (Capon, 2019:96). زمینه‌گرایی به عنوان یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی، زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد که عناصر شهر در درون آن، شناخته، پرداخته و ساخته می‌شوند. دیدگاه مزبور ابتدا به جنبه‌های صرفاً کالبدی توجه داشت اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی فرهنگی جامعه گسترش داد. زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشد، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته است. (تولایی، ۱۳۹۹: ۴۵). به‌طور کلی اهداف عمده زمینه‌گرایی عبارتند از: رشد تدریجی در برابر بازسازی کامل، کاربری مختلط در برابر تفکیک کاربری‌ها، انسجام شبکه پیاده و سواره، همجواری محل کار با سکونت، انسجام ویژگی منطقه‌ای و طراحی فضای شهری، انسجام کیفیت طراحی با فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی (ماجدی، ۱۳۹۴: ۱۸). معماری زمینه‌گرا نه تأکید بر تقلید دارد و نه مانع نوآوری و خلاقیت است. پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می‌دهد که این توجه می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت‌کننده باشد. زمینه‌های شکل‌گیری زمینه‌گرایی: ۱- مدرنیست‌ها ساختمان‌های خود را چنان طراحی می‌کردند که گویی در یک خلأ بصری قرار خواهد گرفت و ربطی به ساختمان‌های پیرامون نخواهد داشت. (برولین، ۱۳۹۶: ۷-۱). ۲- داشتن بیان شخصی خود، تأکید بر مقوله ابتکار آن قدر شدت داشت که باعث از بین رفتن تداوم بصری محیط کالبدی ما شد. تأکید بر نبوغ و ابتکار جایگزین معیار قبلی یعنی توجه به کیفیت ارائه هنری شد. بیان احساسات معمار، ابراز وجود معمار. سازگاری با ساختمان‌های قدیم نه تنها نامربوط بود بلکه حتی توهین به مقدسات تلقی می‌شد. از دید یک مدرنیست شیفته، یک ساختمان باید نسبت به ساختمان‌های اطراف خود شاخص و بارز بوده و به عنوان نمادی از آینده مطرح شود (همان منبع، ۱۰-۱۳). نتیجه و پی‌آمد: تضاد میان سبک‌های سنتی و سبک پیشرو که گویی به‌نظر قابل‌قبول بود، اکنون ناگوار و خشن محسوب می‌شد. (اتحاد اهالی یک محله برای دفع یک تعرض ناگوار، احکام جدید شهرداری‌ها برای توجه به بافت اطراف) زمینه‌گرایی در یک جمله یعنی ایجاد تداوم بصری در سیمای شهری. معماران باید بدانند که حاصل کار آنها همواره به‌عنوان بخشی از یک زمینه کلی‌تر مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. این جمله از آرتور تریستان ادواردز در کتاب آداب خوب و بد در معماری است.

مطالعه تطبیقی رویکردهای طراحی معماری مبتنی بر بستر فرهنگ، در دوران مدرنیسم

به نظر می‌رسد که آرایه‌ها، بافت بصری و تداعی حاصل از آن، غالباً روش مطمئن‌تری برای ایجاد رابطه بصری سازگار میان ساختمان‌هاست. گرچه اینها نکاتی کوچک هستند، ولی چشم به همین نکات کوچک توجه کرده و تجمع همین پیام‌ها در حافظه بصری ما، حس همگونی و مکانی قوی را به وجود می‌آورد. (همان منبع، ۴۲). در نهایت مولفه‌های مورد استفاده در رویکرد طراحی معماری زمینه‌گرا عبارتند از: کپی‌برداری نزدیک از درون‌مایه‌های اصلی طرح موجود – استفاده از اساس فرم‌های مشابه ولی با چیدمانی جدید – ابداع فرم‌های جدیدی با همان تأثیر بصری فرم‌های قدیمی – تجرید (انتزاع) فرم‌های اولیه. نمونه موردی انتخاب‌شده پروژه موسسه پرت اثر استیون هال می‌باشد که بحث الحاق بخش میانی یک ساختمانی است که در اثر آتش‌سوزی از بین رفته است. هال در این پروژه از موارد مطرح‌شده در جدول ۵ در راستای رویکرد زمینه‌گرایی بهره گرفته است. به‌طور کلی می‌توان برخی مولفه‌های مورد استفاده در رویکرد طراحی "زمینه‌گرایی" را بدین ترتیب بیان کرد: شناسایی تمام ویژگی‌های بصری، بصری و انسانی بافت اطراف، انتخاب یکی از رویکردهای مطرح‌شده در زمینه بصری با توجه به مطالعات و شناخت از سایت، ایجاد پیوند مناسب با ساختمان‌های مجاور از طریق عقب‌نشینی و یا جلوآمدگی بنا به تشخیص و توجه هم‌زمان به جنبه‌های چهارگانه زمینه بصری جهت ارتقاء کیفیت پیوند ساختمان با همسایگی‌های مجاور.

جدول ۱-۳: بررسی بررسی چهار رویکرد به زمینه بصری ساختمان‌ها

مأخذ مطالب و تصاویر جدول: (Sherine Shafik, 2011), (Rapaport, 2018), (Kirk, 2005), (Gamprecht, 2016), (Keshtkaran, 2012)

تصویر بنای رویکردهای مطرح‌شده		چهار رویکرد به زمینه بصری (شکلی) ساختمان
		کپی‌برداری نزدیک از درون‌مایه‌های اصلی طرح موجود (شباهت ارتفاع ساختمان‌ها، نسبت پنجره به دیوار و امتداد قرنیزهای طبقات از چپ به راست سبک‌های گوتیک، روکوکو و رنسانس)
		استفاده از اساس فرم‌های مشابه ولی با چیدمانی جدید (استفاده از قاب سفید اطراف پنجره و قرنیزهای میان طبقات ساختمان‌های موجود در بافت هم‌جوار)
		ابداع فرم‌های جدید به منظور ایجاد کنش در بافت قدیمی (مانند اثر بیلپائو که به‌عنوان نماد و مرکز توریستی بارسلونا مطرح شده است)
		تجرید (انتزاع) فرم‌های اولیه (استفاده از برخی نمادها در قالبی جدید)

–بخش پنجم: بوم‌گرایی، بسترهای شکل‌گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی

همان‌گونه که لهجه‌ها یا گویش‌های محلی در هر زبان وجود دارند، در ساختمان نیز نوعی بوم‌گرایی وجود دارد. (Capon, 2019, 64) تاریخ اندیشه بوم‌گرایی یا آنچه در متون سیاسی غربی از آن به اکولوژیسم یاد می‌شود، همراه با اختلاف‌نظرهای قابل توجه درونی است که در رابطه با آن سه دیدگاه مباحثه‌آمیز را می‌توان ارائه نمود. دیدگاه نخست تأکید دارد که تاریخ بوم‌گرایی با تاریخ زندگی بشر اولیه و نحوه تعامل او با طبیعت مربوط می‌شود، از این‌رو باید بوم‌گرایی را در جهان قدیم انسان

مطالعه تطبیقی رویکردهای طراحی معماری مبتنی بر بستر فرهنگ، در دوران مدرنیسم

جست و جو کرد، چرا که مردمان نخستین، دارای عقل باستانی طبیعی بودند که باید بازکشف شوند. در این دیدگاه بوم‌گرایی همان الگوی انسان‌های نخستین در تعامل با طبیعت است که مبتنی بر بهره‌گیری از آن فقط به میزان آنچه نیاز انسان می‌باشد، است. از این‌رو طبیعت به خودی خود ارزش دارد، بیش از آنکه گفته شود برای انسان ارزش دارد. دیدگاه دوم درباره تاریخ اندیشه‌های بوم‌گرایی با دانشمندان قرن نوزدهمی شروع می‌شود که بر اساس بحث مشهور تاماس مالتوس^{۴۶}، نظرات خود را بنیان نهادند. نظریه مالتوس بیان می‌داشت که جمعیت انسانی به‌صورت تصاعد هندسی افزایش می‌یابد در حالی که تولید غذا بر اساس تصاعد حسابی و این عدم تعادل باعث قحطی خواهد شد. در این راستا مطالعات بیولوژیکی و زمین‌شناسی در کشورهای فرانسه، بریتانیا، آمریکا، روسیه و آلمان به هشدار امکان کمیابی منابع انرژی منتهی شد.

جدول ۱-۴: بررسی چهار مقیاس زمینه صوری (شکلی) در رویکرد زمینه‌گرایی

مأخذ مطالب و تصاویر جدول: (Sherine Shafik, 2011)، (Rapaport, 2018)، (Kirk, 2015)، (Gamprecht, 2016)، (Keshtkaran, 2012)

تصویر مرتبط با مقیاس‌های مطرح‌شده		چهار مقیاس در زمینه صوری (شکلی) ساختمان
		چشم انداز (Landscape) (انتخاب صحیح جانمایی ساختمان، اثر نور خورشید، سایه‌اندازی جرم‌ها توجه به زوایای دید و بهره‌برداری از زمین و زمینه بنا)
		منظر محلی (Townscape) (ایجاد ارتباط میان منظر محلی و فضای طراحی شده در داخل ساختمان به‌صورتی مداوم)
		منظر شهری (Cityscape) (فن کمپوزیسیون در ترکیب توده و فضا، نما و منظر و احساس ناشی از فرم در رابطه با چگونگی تعریف آن)
		منظر اتاق (Roomscape) (گوش سپردن به زبان ویژه هر فضا و نحوه ارتباط آن با سایت اطراف موجود از گذشته، الکساندر)

سومین دیدگاه درباره تاریخ اکولوژیسم یا بوم‌گرایی را باید در کوشش‌های دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ جست‌وجو کرد. در این دو دهه طیفی از نویسندگان و دانشمندان با گزارش‌های علمی متعدد بر ارتباط میان جامعه و طبیعت تأکید ورزیدند. در این رابطه باید به‌ویژه به نوشته ریچل کارسون تحت عنوان بهار خاموش در سال ۱۹۶۲ اشاره نمود. او دیدگاه‌های سنتی پیشرفت علمی را با سوالاتی جدی روبه‌رو ساخت. از این رو اثر و فعالیت او را باید آغازی بر بوم‌گرایی نوین توصیف کرد (Rooger, 2012, 225-238). اصول و مولفه‌های اصلی بوم‌گرایی و عوامل تعریف‌کننده آن عبارتند از: حفاظت از محیط زیست، آینده‌ای ماندگار، تأکید بر روی کاهش جمعیت، جهان‌گرایی، بوم‌گرایی و مرکز‌زدایی از انسان و غیره (درخشه، ۱۳۹۸، ۱۲۵). علاوه بر موارد فوق، رویکرد طراحی بوم‌گرا می‌بایست از این اصول تبعیت کند: توجه به جنبه‌های اکولوژیکی در طراحی، طراحی با

مطالعه تطبیقی رویکردهای طراحی معماری مبتنی بر بستر فرهنگ، در دوران مدرنیسم

طبیعت و حداقل دخالت در طبیعت، الهام از هندسه طبیعت، مرئی کردن طبیعت، محلی بودن راه‌حل‌ها، طراحی با مردم، حفظ سنت‌های فرهنگی، تعادل بهینه بین جمعیت و منابع، کاهش حداقل توسعه افقی (نقصان محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴).

جدول ۱-۵: بررسی جنبه‌هایی از کاربرد زمینه‌گرایی در پروژه موسسه پرت/استیون هال
 مأخذ مطالب و تصاویر جدول: (Sherine Shafik, 2011)، (Rapaport, 2018)، (Kirk, 2015)، (Gamprecht, 2016)،
 (Keshtkaran, 2012)


تصویر کاربرد مطرح شده	جنبه‌هایی از کاربرد زمینه‌گرایی
	<p>عقب نشینی ساختمان جدید (به منظور ایجاد اتصال بصری میان دو ساختمان قدیمی)</p>
	<p>استفاده از آهن قرمز رنگ (جهت هماهنگی با مصالح آجر قرمز رنگ بافت هم جوار)</p>
	<p>استفاده از خطوط نمای ساختمان های مجاور (جهت شکل دادن به کمپوزیسیون به کار رفته بر روی نما)</p>
	<p>در نظر گرفتن سایه اندازی ساختمان های مجاور (جهت انتخاب ارتفاع مناسب برای ساختمان)</p>

می‌توان معیارهایی را در مورد شهرهای طراحی شده توسط رویکرد بوم‌گرایی برشمرد. معیارهای طراحی خیابان شهری بوم‌گرا: ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی فرهنگی و رفتاری و موارد مشابه و مرتبط با آن. معیارهای کالبدی فضای شهری بوم‌گرا: دسترسی یا نفوذپذیری، سلسله مراتب فضایی، وحدت در کل، تعادل در خیابان‌های شهری، هماهنگی در خیابان به‌عنوان یک کل، همگرایی خیابان‌ها در مقیاس کلان، رعایت مقیاس انسانی، هم‌گرایی با عوامل طبیعی و اقلیمی، تنوع، محصوریت، تناسبات بصری، وجود عناصر منحصر به فرد و قابل ثبت در ذهن شهروندان، کاهش تراکم ساخت و ساز، توجه به سبک معماری ساختمان‌های مجاور، رعایت نحوه ترکیب توده و فضا. معیارهای عملکردی فضای شهری بوم‌گرا: تنوع کاربری‌ها، انعطاف‌پذیری، کارایی پایدار، انسان‌محوری در عملکرد خیابان، عدالت اجتماعی، آسایش محیطی. معیارهای معنایی: خوانایی،

هویت و حس مکان و غنای حسی و زیبایی (نقصان محمدی، ۱۳۹۱، ۹۹-۱۲۱). به عنوان نمونه موردی می توان به خانه های صخره ای کاپادوکیا و خانه های زیرزمینی درینکویو در ترکیه اشاره داشت. (جدول ۱-۶) به طور کلی می توان برخی مولفه های مورد استفاده در رویکرد طراحی "بوم گرایی" را بدین ترتیب بیان کرد: استفاده از مصالح محلی منطقه و تکنیک های خاص هر منطقه جهت ساخت، توجه به پیشینه های تاریخی در مورد روش های ساخت بناهای محلی، طراحی با هدف حفاظت از محیط زیست و با کمترین میزان مداخله مصالح غیرقابل بازیافت، الهام از هندسه خاص طبیعت هر منطقه جهت طراحی بناهای محلی، حفظ سنت های فرهنگی و کاهش توسعه افقی بیش از حد در طبیعت و توجه به حفظ چشم انداز و تناسبات بصری در هنگام طراحی مجموعه های بومی.

جدول ۱-۶: بررسی جنبه هایی از کاربرد بوم گرایی در شهر کاپادوکیا و درینکویو ترکیه

مأخذ مطالب و تصاویر جدول: (Kaitilla, 2015), (May, 2010), (Abdul Majid, 2018), (Asquith, 2020), (Abel, 2017), (Oliver, 2014), (Kingston, 2009)

توضیح عناصر بومی مورد استفاده	تصویر عنصر مورد بررسی	توضیح عناصر بومی مورد استفاده	تصویر عنصر مورد بررسی
کاپادوکیا یا شهر دودکش های افسانه ای (نحوه شکل گیری: در اثر سرد شدن گدازه های آتشفشانی)		حجاری های به جا مانده با نماد سربازهای هخامنشی در درینکویو	
تزئینات موجود در فضاهای داخلی کاپادوکیا از حضرت مسیح (در فضاهای آیینی شهر)		نماد آیین زرتشت به صورت حجاری شده با کاشی های رنگی در درینکویو	
تزئینات موجود در فضاهای داخلی کاپادوکیا از نمادهای مسیحیت (در فضاهای آیینی شهر)		۷ لایه زیرزمینی در شهر درینکویو (به منظور اخفاء پیروان آیین زرتشت)	
معبدی باستانی در شهر کاپادوکیا (تلفیق معماری بومی و کهن)		درب ورودی شهر با قابلیت مسدود شدن در شهر زیرزمینی درینکویو (حفره وسط آن به منظور امکان باز و بسته کردن و مشاهده سمت دیگر بوده است)	
استفاده از سفره آب زیرزمینی توسط چاه و هوا توسط تونل تهویه در درینکویو (توسط تونل های عمودی حفر شده)		معماری فضاهای داخلی شهر درینکویو (شامل خانه ها، اماکن مذهبی و مدارس)	

-بخش ششم: سنت گرایی، بسترهای شکل گیری آن و بررسی تحلیلی نمونه موردی

سنت گرایی تأکیدکننده تسلسل صوری بین گذشته و حال است. (Capon, 2019, 127) این جنبش در حوالی سال ۱۹۰۴ زمانی که هرمان موتزیوس^{۴۷} نخستین خانه‌هایش را که ملهم از خانه‌های ویلاقی انگلیسی بودند، در آلمان ساخت، آغاز شد و تا سال ۱۹۳۴ دوام آورد. سنت‌گراها هم مانند معماری اکسپرسیونیستی از تفکر و آثار فردریش نیچه^{۴۸} الهام می‌گرفتند، سنت‌گرایی، تاریخ‌گرایی و سوسیالیسم را هر دو رد می‌کرد و به فرد بیش از توده ارج می‌نهاد.

پنج اصل معماری سنت‌گرا عبارتند از: رابطه با گذشته و نگهداری و حفظ جنبه‌های ملی: برخلاف راسیونالیسم که هدفش طرد گذشته بود، بدگمانی به فنون جدید، با این اعتقاد که مبانی نو در تولیدات دستی است. هماهنگی ساختمان با محیط اطراف و شرایط محلی‌اش، قائل نشدن ارزش یکسان برای همه ساختمان‌ها (یک ساختمان نمایشی بسیار بااهمیت‌تر از یک ساختمان مسکونی است). ساختمان‌های نوع نخست از بیان والای معماری بهره می‌گیرند، از مصالح باارزش مانند مرمر و سنگ باربر برای آنها استفاده می‌شود. ساختمان‌های نوع دوم بناهای مسکونی‌اند با مصالح بنایی و چوب که ساده‌تر اما مستحکم‌تر و قوی‌اند و نوع سوم هرچه ساده‌تر از بتن، ماده‌ای پست که در ساختمان‌های صنعتی به کار می‌رفت. و اصل پنجم اینکه برای فاصله گرفتن از تزئینات بیش از اندازه که مختص تاریخ‌گراها بود، بیان فرمال معماری سنت‌گرا بسیار ساده شده بود (لامیونایی، ۱۳۹۲، ۱۵۵ و ۱۵۶).

از میان سنت‌گرایان می‌توان به رنه گنون^{۴۹}، آناندا کوماراسوامی^{۵۰}، فریتیوف شوان^{۵۱}، تیتوس بورکهارت^{۵۲}، مارتین لینگر^{۵۳}، ویتال پری^{۵۴} و سید حسین نصر^{۵۵} اشاره داشت. سنت در معنای درست کلمه، رشته‌ای است که تمدن را به وحی می‌پیوندد. تردیشین^{۵۶} از نظر ریشه‌شناختی صرفاً به معنای آنچه منتقل شده است می‌باشد. با توجه به این امر سنت در اینجا نمی‌تواند صرفاً معادل حقیقت بی‌صورت و لایتغیر باشد، بلکه معادل حقیقتی است که به واسطه وحی الهی در قالب اسطوره‌ها، مناسک، سمبول‌ها، تعالیم، شمایل‌نگاری‌ها و دیگر مظاهر تمدن‌های بدوی و دینی گوناگون نمود و ترجمان صوری پیدا می‌کند (آلدمو، ۱۳۹۸، ۱۵۳).

سنت یعنی انتقال موثر اصول و مبادی‌ای با منشأ فرابشری، از طریق صوری که با اعمال آن اصول و مبادی نیازهای حادث و محکم پدید می‌آیند (آلدمو، ۱۳۹۸، ۱۵۴).

بنابراین سنت یک تداوم تاریخی دارد و یک ذات برآمده از حقیقت. هنر سنتی از خلاقیتی ناشی می‌شود که الهام آسمانی را با قریحه و طبیعت خاص قومی در هم می‌آمیزد، و این کار را به سبک دانشی قاعده‌مند انجام می‌دهد و نه از طریق بداهه‌پردازی فردی. هنگامی که آدمی در مقابل یک کلیسای جامع می‌ایستد، حقیقتاً احساس می‌کند که در مرکز عالم قرار دارد درحالی‌که هنگامی که مقابل کلیسایی متعلق به دوره رنسانس، باروک یا روکوکو می‌ایستد، صرفاً احساس می‌کند که در اروپاست (آلدمو، ۱۳۹۸، ۲۳۹).

حد اعلی کاربرد سنت‌گرایی در هنر ترجمان به هنر مقدس می‌شود. هنر مقدس همچون همه هنرهای دینی سنتی می‌بایست از حیث محتوا مقدس، در جزئیات سمبولیکی و از حیث پرداخت روحانی باشد (آلدمو، ۱۳۹۸، ۲۸۴). هنر مقدس همواره در خدمت یک هدف دولایه است، نخست سودمندی مستقیماً مادی و در وهله دوم نوعی کارکرد آموزشی - تربیتی. مانند محل‌های آیینی، چپ مقدس سرخپوستان آمریکا نمونه‌ای است از یک شیء دست‌ساز به‌ظاهر ساده و سودمند که ترکیب کاملی از معانی منسکی و مابعدالطبیعی در بر دارد (آلدمو، ۱۳۹۸، ۲۴۹).

از جمله معماری‌های طراحی شده با رویکرد سنت‌گرایی و هنر مقدس، کعبه، خانه پیامبر، مسجد جامع قیروان در تونس، مسجد شیخ لطف‌الله، قبه الصخره و غیره بوده است (نصر، ۱۳۸۹، ۱۵۶). نمونه‌موردی انتخاب‌شده شهر جدید شوشتر به طراحی کامران دیبا می‌باشد که در هماهنگی با الگوهای سنتی موجود در شوشتر کهن طراحی شده است. (جدول ۱-۷) از میان این الگوها می‌توان به این موارد اشاره داشت، رعایت سلسله مراتب شهری، رعایت ساختار شهر سنتی، ایجاد مراکز محله، پاتوق‌ها و حیاط‌های مشترک میان ساختمان‌ها، استفاده از تنوع و نشانه‌های فضای شهری شوشتر کهن، تزئینات برگرفته از طراحی سردرهای کهن و سایر موارد مشابه. به‌طورکلی می‌توان برخی مولفه‌های مورد استفاده در رویکرد طراحی "سنت‌گرایی" را بدین ترتیب بیان کرد: توجه به تمامی لایه‌ها و مستندات تاریخی موجود به جا مانده از بناهای کهن، توجه به الگوهای معماری و شهرسازی کهن و نشانه‌های شهری سنتی، تأکید بر محورهای تاریخی شهری و بررسی تأثیر آن بر روی بنا، توجه به لایه‌های سنتی شهر (اعم از بناهای تاریخی شاخص، فضاها و محورهای شهری) و توجه به جزئیات طراحی فضاهای داخلی با توجه به الگوهای سنتی.

جدول ۱-۷: بررسی جنبه‌هایی از کاربرد سنت گرایي در شهر شوشتر نو

مأخذ مطالب و تصاویر جدول: (Gast, 2014), (Badran, 2018), (Chau, 2012), (Hamdouni, 2011), (Ragette, 2016), (Warren, 2016), (Touman, 2017)

توضیح عناصر سنتی مورد استفاده	تصویر عنصر مورد بررسی	توضیح عناصر سنتی مورد استفاده	تصویر عنصر مورد بررسی
رعایت سلسله مراتب شهری (سلسله مراتب فضاهای عمومی (راسته بازار)، نیمه عمومی (سرمله)، نیمه خصوصی (پهن فرای) و خصوصی (حیاط خانه))		مهار تابش عمودی نور خورشید توسط تابش بندها (توسط طراحی مناسب بدنه نماها جهت سایه‌اندازی مناسب)	
رعایت ساختار شهری سنتی (یک محور اصلی پیاده به طول ۲ کیلومتر که سلسله فضاهای عمومی مانند میدان اصلی شهر، بازار سرپوشیده، مسجد جامع و سایر مکان های عمومی را به هم متصل میکند)		تهویه و گردش طبیعی هوا توسط مشربیه‌ها (به‌منظور امکان ایجاد تهویه طبیعی)	
منظر شهری و خط آسمان جهت ایجاد دیدهای منسجم (منظر شهری تحت تأثیر توپوگرافی و ویژگی های منطقه بوده و خط آسمان یک منظر یکپارچه ایجاد میکند)		استفاده از مصالح بومی (به‌منظور امکان ایجاد تهویه طبیعی)	
مرکز محله ها و تقابل میان فضاهای عمومی و کوچه های باریک (به دلیل حرارت و رطوبت بالای منطقه)		تنوع بصری و نشانه‌های مورد استفاده در فضاهای شهری (کنج‌های فیلیپوش، کاشی فیروزه‌ای و اسامی معنادار)	
ایجاد پاتوق‌هایی در محله		زیر گذرها و رواق‌های سایه‌دار (به‌منظور مهار تابش نور خورشید)	
حیاط‌های مشترک (به‌منظور امکان ایجاد تهویه طبیعی)		تزیینات برگرفته از سردرهای کهن (الگوهای موجود در شوشتر کهن)	

بخش هفتم: بررسی تطبیقی رویکردهای طراحی مبتنی بر بستر فرهنگ در دوران مدرنیسم

جدول ۸-۱: بررسی وجه اشتراک و وجه افتراق رویکردهای طراحی مبتنی بر بستر فرهنگ

رویکردهای مبتنی بر فرهنگ	وجه اشتراک هر یک از رویکردها با سایرین	وجه افتراق هر یک از رویکردها با سایرین
تاریخ‌گرایی	* منطقه‌گرایی: استفاده از فناوری نوین در تاریخ‌گرایی پاپر. * زمینه‌گرایی: توجه به بستر تاریخی بافت هم‌جوار. * بوم‌گرایی: استفاده از الگوهای مصالح و ساخت بومی. * سنت‌گرایی: وجود ریشه‌های تاریخی و سنتی کهن.	* منطقه‌گرایی: عدم توجه به فناوری نوین در تاریخ‌گرایی پوسنر. * زمینه‌گرایی: عدم لزوم هماهنگی با بستر و بافت موجود بنا. * بوم‌گرایی: عدم لزوم توجه به الگوها و معیارهای طراحی بومی. * سنت‌گرایی: عدم لزوم توجه به نماد و نشانه‌های تاریخی.
منطقه‌گرایی	* تاریخ‌گرایی: استفاده از فناوری نوین در تاریخ‌گرایی پاپر. * زمینه‌گرایی: زیرمجموعه‌ای از منطقه‌گرایی است (در مقیاس خرد) * بوم‌گرایی: استفاده از الگوهای مصالح و ساخت بومی. * سنت‌گرایی: اقتباس از موتیف‌های سنتی در منطقه‌گرایی.	* تاریخ‌گرایی: عدم لزوم توجه به فناوری نوین در تاریخ‌گرایی پوسنر. * زمینه‌گرایی: داشتن شاخصه‌های محدودتر، جزئی‌تر و محلی‌تر. * بوم‌گرایی: عدم لزوم استفاده از فناوری نوین و تکنولوژی. * سنت‌گرایی: عدم لزوم استفاده از فناوری نوین و تکنولوژی.
زمینه‌گرایی	* منطقه‌گرایی: مقیاسی کلان‌تر از زمینه‌گرایی است. (در مقیاس منطقه) * تاریخ‌گرایی: توجه به بستر تاریخی بافت هم‌جوار. * بوم‌گرایی: توجه به مصالح و الگوهای ساخت محلی. * سنت‌گرایی: توجه همیشگی به هماهنگی با بافت همسایگی.	* منطقه‌گرایی: داشتن شاخصه‌های وسیع‌تر، کلی‌تر و منطقه‌ای. * تاریخ‌گرایی: عدم لزوم هماهنگی با بستر و بافت موجود بنا. * بوم‌گرایی: عدم هماهنگی فرمال با بافت هم‌جوار، بلکه با طبیعت. * سنت‌گرایی: توجه بیشتر به زمینه‌های انسانی و کمتر شکلی.
بوم‌گرایی	* منطقه‌گرایی: استفاده از مصالح بومی و الگوهای منطقه‌ای. * زمینه‌گرایی: توجه به مصالح و الگوهای ساخت محلی. * تاریخ‌گرایی: استفاده از الگوهای مصالح و ساخت بومی. * سنت‌گرایی: استفاده از مصالح بوم‌آورد در ساخت بنا.	* منطقه‌گرایی: عدم لزوم اقتباس از بستر طبیعی و بافت بومی. * زمینه‌گرایی: عدم لزوم استفاده از مصالح و روش‌های ساخت بومی. * تاریخ‌گرایی: عدم لزوم توجه به الگوها و معیارهای طراحی بومی. * سنت‌گرایی: عدم لزوم توجه به ویژگی‌های طبیعی بستر بنا.
سنت‌گرایی	* منطقه‌گرایی: اقتباس از موتیف‌های سنتی در منطقه‌گرایی. * زمینه‌گرایی: توجه همیشگی به هاهنگی با بافت همسایگی. * بوم‌گرایی: استفاده از مصالح بوم‌آورد در ساخت بنا. * تاریخ‌گرایی: وجود ریشه‌های تاریخی و سنتی کهن.	* منطقه‌گرایی: عدم لزوم استفاده از ویژگی‌های سنتی در ساخت. * زمینه‌گرایی: عدم لزوم استفاده از شاخصه‌ها و الگوهای سنتی. * بوم‌گرایی: عدم لزوم توجه به الگوهای کهن و سنتی موجود. * تاریخ‌گرایی: عدم لزوم توجه به نماد و نشانه‌های تاریخی.

۳. نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، شفاف نمودن ابهامات موجود در زمینه معرفی هر یک از رویکردهای مطرح‌شده مبتنی بر بستر سنت در دوران معاصر است، تا جایی که معماران مختلف بتوانند رویکرد طراحی مناسب را ضمن مقایسه تطبیقی آن‌ها تشخیص دهند. آنچه از برآیند مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت، موارد ذیل است: تاریخ‌گرایی به دلیل وجود همیشگی ریشه‌های تاریخی در سنت‌گرایی، پیوند عمیقی با آن دارد ولی با سایر رویکردها وجه اشتراک‌هایی ظاهری مانند استفاده از تزئینات مشابه تاریخی در نخستین رویکرد از زمینه‌گرایی، استفاده از الگوهای برگرفته از تاریخ و فرهنگ در منطقه‌گرایی و استفاده از الگوهای تاریخ بومی یک منطقه در بوم‌گرایی دارد. منطقه‌گرایی و زمینه‌گرایی وجه اشتراک بسیاری با یکدیگر دارند و در واقع زمینه‌گرایی زیرمجموعه‌ای از منطقه‌گرایی است و مقیاس منطقه‌گرایی کلان‌تر از زمینه‌گرایی است. منطقه‌گرایی با بوم‌گرایی نیز پیوند نزدیکی دارد. زیرا یکی از عوامل مهم در ذیل عوامل دخیل در طراحی منطقه‌گرا، استفاده از ویژگی‌ها و مشخصه‌های محلی می‌باشد. زمینه‌گرایی، علاوه بر منطقه‌گرایی با بوم‌گرایی ارتباط بسیار نزدیکی دارد. به‌طوریکه بسیاری از رویکردهای مطرح شده در زمینه‌گرایی در معماری بوم‌گرا قابل مشاهده است. علاوه بر آن تمامی معماری‌های سنت‌گرا، زمینه‌گرا نیز بوده اند زیرا توجه به زمینه و بافت، جزء لاینفک معماری با رویکرد سنت‌گرایی است. بوم‌گرایی، علاوه بر منطقه‌گرایی و زمینه‌گرایی پیوند نزدیکی با سنت‌گرایی دارد با این تفاوت که در بوم‌گرایی بر شاخصه‌های محلی تأکید می‌شود ولی در سنت‌گرایی بر تمام الگوهای سنتی. بنابراین سنت‌گرایی کلان‌تر از بوم‌گرایی است. به‌علاوه معماری بوم‌گرا همواره زمینه‌گرا نیز می‌باشد، زیرا همواره توجه به ویژگی‌های بصری بستر را در خود دارد. سنت‌گرایی با تاریخ‌گرایی و بوم‌گرایی وجه اشتراک بسیاری دارد. با تاریخ‌گرایی به آن دلیل که بخشی از ماهیت آن است و با بوم‌گرایی به دلیل آنکه بخش عمده‌ای از معماری بومی ریشه در سنت‌ها دارد (جدول ۸-۱).

۴. پی‌نوشت‌ها

۱- Regionalism / ۲- Historicism / ۳- Traditionalism / ۴- Contextualism / ۵- Ecologism / ۶- Environmentalism, Vernacular Architecture / ۷- Friedrich Schlegel / ۸- Ludwig Feuerbach / ۹- Historicism / ۱۰- Mainek / ۱۱- Chronological / ۱۲- Kolkohan / ۱۳- Eclecticism / ۱۴- Louis Sullivan / ۱۵- Roger Scruton / ۱۶- Pevsner / ۱۷- Popper / ۱۸- Gideon / ۱۹- Castle Vecchio Museum / ۲۰- Carlo Scarpa / ۲۱- Peter Eisenman / ۲۲- Lewis Mumford / ۲۳- Wagner / ۲۴- Johnson / ۲۵- LeCorbusier / ۲۶- Gropius / ۲۷- Alvar Alto / ۲۸- Frampton / ۲۹- Heidegger / ۳۰- Rue / ۳۱- Koter / ۳۲- Italo Calvino / ۳۳- Schomaker / ۳۴- Rem Koolhaas / ۳۵- Peter Smithson / ۳۶- Norberg Schulz / ۳۷- Alexander / ۳۸- Robert Stern / ۳۹- Brodin / ۴۰- Postscript / ۴۱- Kamilo Sitte / ۴۲- Gordon Kalen / ۴۳- Herman Muthesius / ۴۴- Thomas Malthus / ۴۵- Edmund Bacon / ۴۶- Kevin Lynch / ۴۷- Frithjof Schuon / ۴۸- Nietzsche / ۴۹- Rene Guenon / ۵۰- Ananda Kumaraswamy / ۵۱- Tradition / ۵۲- Vital Perry / ۵۳- Seyyed Hossein Nasr / ۵۴- Martin Lings / ۵۵- Burckhardt

۵. منابع فارسی و انگلیسی

- آلدمو، هری کنت. (۱۳۹۸). **سنت‌گرایی: دین در پرتو فلسفه جاویدان**. ت: رضا کورنگ بهشتی. تهران: موسسه انتشارات حکمت.
- برولین، برنت سی. (۱۳۹۶). **معماری زمینه‌گرا: سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم**. ت: راضیه رضازاده. اصفهان: نشر خاک.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۹۸). **هنر مقدس: اصول و روش‌ها**. ت: جلال ستاری. تهران: انتشارات سروش.
- درخشه، جلال. (۱۳۹۸). "جستاری در اندیشه‌های بوم‌گرایی". **فصلنامه پژوهشی دانش سیاسی**. (۱): ۱-۲۲.
- تولایی، نوین. (۱۳۹۹). "زمینه‌گرایی در شهرسازی". **فصلنامه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی هنرهای زیبا**. (۱۰): ۳۴-۴۳.
- شایان، حمیدرضا و دیگران. (۱۳۹۶). "مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه: تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیربومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس". **فصلنامه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی هنرهای زیبا**. (۳۸): ۳۸-۴۹.
- لامیونینی، ویتوریو مانیانو. (۱۳۹۲). **معماری و شهرسازی در قرن بیستم**. ت: لادن اعتضادی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ماجدی، حمید و زهرا سادات سعیده زرآبادی. (۱۳۹۴). "شهر نشان‌دار به مثابه شهر زمینه‌گرا". **فصلنامه پژوهشی تحقیقات فرهنگی**. (۳): ۲۱-۱.
- نادری، عزت‌ا... و مریم سیف نراقی. (۱۳۹۹). **روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آنها در علوم انسانی**. تهران: انتشارات ارسباران.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۶). **هنر و معنویت اسلامی**. ت: رحیم قاسمیان. تهران: موسسه انتشارات حکمت.
- نقضان محمدی، محمدرضا و دیگران. (۱۳۹۸). "طراحی فضای شهری بوم‌گرا در توسعه‌های جدید شهری: آشتی توسعه و پایداری، با تأکید بر طراحی بوم‌گرا در خیابان‌های شهر یزد". **نشریه پژوهشی شهر و معماری بومی**. (۲): ۹۹-۱۲۱.
- همیلتون، پل. (۱۳۹۶). "تاریخ و تاریخ‌گری". ت: امیرحسین صادقی. **فصلنامه تاریخ اسلام (دانشگاه باقرالعلوم)**. (۲۴): ۱۹۱-۲۱۸.
- Abdul Majid, Noor Hanita and et al. (2018). "Vernacular Wisdom: The basis of formulating compatible living environment in Oman". *Procedia – Social and Behavioral Sciences*. (68): 637-648.
- Asefi, Maziar. (2019). "Transformation and movement in architecture: the marriage among art, engineering and technology". *Procedia – Social and Behavioral Sciences*. (51): 1005-1010.

- Asquith, Lindsay and Vellinga, Marcel. (2020). *Vernacular Architecture in the Twenty-First Century: Theory, education and practice*. London and New York: Taylor & Francis Press.
- Abel, Chris. (2017). *Architecture as Identity, and Living in a Hybrid World, Architecture and Identity: Towards a Global Eco-Culture*. London: Oxford University Press.
- Ali, Habib Fida. (2019). *Regionalism as a Source of Inspiration for Architects*, In Regionalism in Architecture. (Proceeding of the Regional Seminar in the series Exploring Architecture in Islamic Cultures, Dhaka, December 17-22). Robert Powell, Ed. Singapore, Concept Media Pte Ltd, the Aga Khan Award for Architecture. pp. 92-94.
- Baydar, Gulsum. (2018). the Cultural Burden of Architecture. *Journal of Architectural Education*. (9): 19-27.
- Badran, Rasem. (2018). *On the Poetic of Place: The Communicability of an Architectural Image, Understanding Islamic Architecture*. Petruccioli and Pirani, Ed. London: Routledge Press.
- Bandyopadhyay, Soumyen and et al. (2010). *The Humanities in Architectural Design: A Contemporary and Historical Perspective*. London: Routledge University Press.
- Boussora, Kenza. (2012), Regionalism: Lessons from Algeria and the Middle East. *Architectural Regionalism*. (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition). Vincent Canizaro, ed. New York: Princeton Architectural Press.
- Brolin, B. C. (2016). *Architecture in Context: Fitting new buildings with old*. USA: Van Nostrand Reinhold Company.
- Canizaro, Vincent, B. (2018). *The promise of Regionalism. Architectural Regionalism*. (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition). Vincent Canizaro, Ed. New York: Princeton Architectural Press.
- Capon, David Smith. (2019). *Architectural Theory, v.2: Le corbusier's Legacy: Principles of Twentieth Century Architectural Theory arranged by Category*. London: John Wiley & Sons Ltd.
- Chau, Hing Wah. (2012). "City, Tradition and Contemporary China: From Wang Shu's Works to Review his Critical Practice with the city". *Procedia*. (1): 40-45.
- Colquhoun, Alan. (2020). *the Concept of Regionalism. Architectural Regionalism*. (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition). Vincent Canizaro, Ed. New York: Princeton Architectural Press.
- Curtis, William, J. R. (2014). *Regionalism in Architecture*. In Regionalism in Architecture. (Proceeding of the Regional Seminar in the series Exploring Architecture in Islamic Cultures, Dhaka, December 17-22). Robert Powell, ed. Singapore, Concept Media Pte Ltd, the Aga Khan Award for Architecture. pp. 73-77.
- Erpi, Feyyaz. (2016). Community Culture and its Reflection on Vernacular Architecture - Three Case Studies: Turkish, Greek and Levantine Housing in Anatolia. *Arch. & Comput. / Arch. Behav*. (3): 244.
- Forman, Richard. (2018). *Urban Regions: Ecology and Planning Beyond the city*. New York: Cambridge University Press.
- Frampton, Kenneth. (2019). *Modern Architecture: A Critical History*. London: Thames and Hudson Press.
- Gamprecht, Blake. (2016). "The Campus as a public space in the American College Town". *Journal of Historical Geography*. (33): 72-103.
- Gast, Klaus Peter. (2014). *Modern Traditions: Contemporary Architecture in India*. Germany: Birkhauser Press.
- Hamdouni Alami, Mohammed. (2011). *Art and Architecture in the Islamic Tradition: Aesthetics, Politics and Desire in Early Islam*. London: I.B.Tauris & Co Ltd.

- Kaitilla, Sababu. (2015). *The Role of Primitive Art on Vernacular Architecture: Its Relevance on Contemporary Architecture in Papua New Guinea*. (4): 397-407.
- Keshtkaran, Parinaz. (2012). Harmonization Between Climate and Architecture in Vernacular Heritage: a casestudy in Yazd, Iran. *Procedia Engineering*. (21): 428-438.
- Kingston Wm, Heat. (2013). *Vernacular Architecture and Regional Design: Cultural Process and Environmental Response*. Boston: Architectural Press.
- Kirk, Terry. (2015). *The Architecture of Modern Italy, Vol 1: The Challenge of Tradition (1750-1900)*. New York: princeton Architectural Press.
- Loew, Sebastian. (2000). *Modern Architecture in Historic Cities: Policy, Planning and Building in Contemporary France*. London: Routledge Press.
- May, John. (2010). *Handmade Houses & Other Buildings: The world of Vernacular Architecture*. United Kingdom: Thames & Hudson Ltd.
- Meral Halifeoglu, Fatma. (2013). "Castle Architecture in Anatolia: Fortifications of Diyarbakir". *Frontiers of Architectural Press*. (2): 209-221.
- Mumtaz, Kamil khan. (2016). The Architect and the Changing Environment. Session 5. In Regionalism in Architecture. (Proceeding of the Regional Seminar in the series Exploring Architecture in Islamic Cultures, Dhaka, December 17-22).
- Nesbitt, K. (2012). *Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory 1965 – 1995*. New York: Princeton Architectural Press.
- Oliver, Paul. (2014). *Encyclopedia of vernacular architecture of the world*. Vol.1.Arbolela:Cambridge University Press.
- Powell, Robert. (2012). Exploring Architecture in Islamic Cultures 2: Regionalism in Architecture. Singapore: Published for The Aga Khan Award for Architecture by Concept Media Pte Ltd.
- Ragette, Friedrich. (2016). *Building on Tradition, Saudi Aramco World*. Volume 22. (3): 15-23.
- Rapaport, Amos. (2018). *The meaning of the Build Environment*. USA: the University of the Arizona Press.
- Rooger, Eatwell and Antony Wright. (2012). Contemporary Political ideologies. New York: Cintinum London Press.
- Sherine Shafik, Ahmed Aly. (2011). Modernization and Regionalism: Approaches for Sustainable revival of Local urban Identity. *Procedia Engineering*. (21): 503-512.
- Touman, I. A. and Al-Ajmi, L. (2017). *Tradition, climate: As the neglected concepts in architecture*. Building and Environment. (40): 1076-1084.
- Warren, John. (2016). *Integrating Traditional Areas into the Modern Urban Fabric. In Adaptive Reuse*. Proceeding of Seminar 3. Designing in Islamic Cultures. Cambridge. Mass. 40-44.

Comparative Survey on Cultural Approaches Of Architectural design in Modern Era

Sara Sohangir¹, Fatemeh Amirian^{2*}

Abstract

Some factors of traditions can be observed. In the present era buildings that are constantly undergoing technological developments, providing comfort to people despite huge advances in technology fields, due to the jagged ruptures caused many problems in the past has been created. In this context and with new approach introduced in the field of architectural design, an approach based on the tradition of Modernism began in the formation of such an approach in the context of responding to the tradition as Regionalism, Contextualism, Vernacularism and Bioclimate, approaches in response to the nature of the tradition as traditionalism and historicism in the form of traditional approaches such as typology and transformation in response to specific models. This article considers the approaches facing , due to the proximity of the architectural concepts used approaches based on traditional context , a comparative analysis was used to examine the elements of each of these approaches, facing the prevailing architecture of the intersections of differentiate they will be analyzed. In this study are the questions facing the comparative study, in order to use any of the approaches facing, considering what concepts are necessary? The native architecture of each of these approaches has different criteria to choose the design. Finally, the use of these approaches has different implications in different countries, what are the criteria for choosing an appropriate approach will facilitate architects? This has been studied in five main sections: Part I: Background Research (introduced in the context of traditional approaches based architecture and context of existence of any of them), the second part introduces the architecture of an architect in the field of native native and an architect, Part III: The dominant architectural elements used in each approach, section IV: a comparative study of architectural design approaches based on the tradition of modernism, part V: analysis of the factors influencing the choice of a suitable approach in different countries. The purpose of this study was to clarify the ambiguities present in any of the approaches based on the platform facing the contemporary tradition, where different architects to design the comparative approach can recognize them. The research method used in present research combines descriptive research, casestudy or upon the occurrence of adaptive problems. The specific characteristics of each of these approaches and strategies in order to select the proper approach will be presented in different countries. Other discussions of the architecture, and we can formulate some factors in this context, in order to more practical issues for the proposed architecture.

Keywords: Regionalism, Contextualism, Ecologism, Traditionalism, Historicism.

1. Ph.D. in Architecture, Assistant Professor, Faculty member, Parand branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: sara.sohangir@pia.ac.ir

2. Ph.D. in Architecture, Assistant Professor, Faculty member, Parand branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) E-mail: fatemeh.amirian@pia.ac.ir